

زیگلار، زیگ / Ziglar, Zig
بهتر از خوب انگیزه پیدا کنید / انترزیگ زیگلار، ترجمه مهدی قراچه داغی.
تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۴.
ص: ۲۰۰

۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۷۰۴-۷

فیبا

عنوان اصلی: Better than good.

زندگی مذهبی (مسیحیت)

راه و رسم زندگی

موفقیت - جنبه‌های مذهبی - مسیحیت

قراچه داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم

۳/ ۴۵۰ BV: ۹۱۳۹۴

۲۴۸/

۳۹۹۵۷۱

بهتر از خوب انگیزه پیدا کنید

نویسنده: زیگ زیگلار

مترجم: مهدی قراچه داغی

ویراستار: معصومه امیرخانی

صفحه آرا: الهه ایمنی

طراح جلد: ندا ایمنی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۷۰۴-۷

ISBN: 978-964-236-704-7

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.
نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



naslenowandish

انتشارات نسل نواندیش

https://telegram.me/naslenowandish

فهرست مطالب

۱۰	 مقدمه
۱۷	بخش اول. اشتیاق زندگی «بهتر از خوب»
۱۹	 ۱. یک سفر شوق‌انگیز
۳۱	 ۲. الهام: سوخت اشتیاق
۴۵	 ۳. استرس: دشمن اشتیاق
۶۱	 ۴. مراقب، فکرتان باشید
۷۵	 ۵. اشتیاق، بگوش
۸۷	بخش دوم: ابرج نملکورد زندگی «بهتر از خوب»
۸۹	 ۶. برنامه پرورش دهید
۱۰۱	 ۷. هدف‌گذاری
۱۱۱	 ۸. شکست: فرآیند پالایش زندگی
۱۱۷	 ۹. عادت‌های «بهتر از خوب»
۱۳۱	 ۱۰. قدرت مداومت
۱۴۱	 ۱۱. تعریف مجدد موفقیت
۱۵۳	بخش سوم. هدف زندگی «بهتر از خوب»
۱۵۵	 ۱۲. هدف زندگی
۱۶۷	 ۱۳. رسالت خود را کشف کنید
۱۷۳	 ۱۴. انسان و هدف
۱۸۵	 ۱۵. تغییر دادن زندگی اشخاص
۱۹۳	 ۱۶. بگذارید عشق راهنمای شما باشد

مقدمه

جانم بدهید برایتان توضیح بدهم که من کیستم و شما قرار است که در کتاب «بهتر از خوب» به چه مطالبی دست پیدا کنید.

پدرم و مادرم نام من هیلاری هینتون زیگلار را در سال ۱۹۲۶، وقتی در آلاباما متولد شدم انتخاب کردند. اما دوستانم از همان زمانی که به مدرسه می‌رفتم مرا «لیک» می‌کردند. امیدوارم شما هم مرا زیگ صدا بنزید. ده‌ها سال است که به انجمن انقاص جهان سفر می‌کنم تا درباره برخورداری از بهترین نعمات دنیا در مقابل خدمت بیشتر به مردم سخنرانی کنم. در جلسات و گردهم‌آیی‌های تجاری، شخصی و خانوادگی یا در رویدادهای اجتماعی، به میلیون‌ها نفر تمام می‌توانند به آنچه در زندگی می‌خواهند برسند، به شرط آن که به دیگران هم کمک کنند تا به خواسته‌های خود برسند.

بعد از ۷۹ سال زندگی، بعد از نوشتن بیش از بیست کتاب در زمینه‌های انگیزه و بعد از سخنرانی‌های بیشمار و برپایی همایش‌های متعدد - درباره داشتن یک زندگی سرشار و ثمربخش، بیش از هر زمانی حرف برای گفتن دارم. احساس می‌کنم که تازه اول خط قرار دارم و به همین دلیل است که کتاب «بهتر از خوب» را نوشته‌ام. من مطالبی دارم که می‌خواهم آن‌ها را با شما در میان بگذارم. مطمئنم این مطالب همان‌طور که به من انگیزه دادند به شما هم انگیزه خواهند داد. من در این کتاب مطالبی را با شما در میان

می‌گذارم که طی سال‌ها به من انگیزه‌های فراوان داده‌اند و از شما می‌خواهم در زندگی‌تان از این مطالب استفاده کنید. به یاد ندارم که چه زمانی از واژه «بهتر از خوب» استفاده کردم. اما این مربوط به سال‌ها قبل می‌شود. من در جنوب بزرگ شدم و بعد در تگزاس زندگی کردم. هزاران بار در تبادلهایی از این قبیل شرکت داشته‌ام.

سلام زیگ، حالت چگونه؟

خوب، خوبم، تو چگونه؟

آیا با این عبارت آشنا هستید؟ البته هیچ اشکالی متوجه آن‌ها نیست. این شیوه‌ای است که در میان ما هم سلام و احوالپرسی می‌کنند.

اما در جایی به دنتم رسید که کلمه «خوب» توصیف درستی از حال و روز من نیست. اگر می‌خواهم زندگی سرشار داشته باشیم باید «بهتر از خوب» ظاهر شویم. به همین دلیل است که وقتی دوستانم از من می‌پرسند «زیگ حالت چگونه؟» در جواب می‌گویم «بهتر از خوب هستم».

این پاسخ من حیرت‌انگیز بوده است. اغلب کسانی که با من حرف می‌زنند، با شنیدن جواب من حرف‌شان را قطع می‌کنند، بعضی‌ها از این که آن‌ها را با اتومبیل به جایی می‌رسانم از من تحسین می‌کنند. قدرت کلمات را هرگز دست‌کم نگیرید. وقتی می‌گویند «روزگارم بهتر از خوب است» از فاعل اول شخص مفرد استفاده می‌کنم، به زمان حال ساده حرف می‌زنم و از تأثیرات مثبت استفاده می‌نمایم. این که بگویند بهتر از خوب نیستید کافی نیست. اگر بدانید چگونه می‌توانید بهتر از خوب زندگی کنید و این را در زندگی رعایت کنید زندگی‌تان به‌راستی از خوب بهتر می‌شود.

زندگی بهتر از خوب از سه رکن تشکیل می‌شود: اشتیاق، عملکرد عالی و داشتن هدف و مقصد. فکر نمی‌کنم کسی پیدا شود که بدون درک این

سه مفهوم بتواند مدتی طولانی با انگیزه زیاد باقی بماند و فکر نمی‌کنم تا کسی انگیزه نداشته باشد، بتواند زندگی بهتر از خوب داشته باشد.

با این حساب در این جا به رسالت این کتاب می‌رسم: زندگی بهتر از خوب زمانی تجربه می‌شود که اشتیاق اصیل داشته باشید، برای رسیدن به بهترین عملکرد تلاش کنید و هدف و مقصد معینی داشته باشید. بگذارید این جا به شما بگویم: هدف من این است که به شما انگیزه بدهم تا **سوا** - چنین زندگی کنید.

حالا توضیح می‌دهم چگونه می‌توانیم پیوند و اتصالی میان اشتیاق، اوج عملکرد، هدف و مقصود ایجاد کنیم. مهم نیست که درگیر چه کاری هستید؛ ورزش، تجارت، علوم، پزشکی، تحصیل، خدمات عمومی و.... من معتقد نیستم تا کسی اشتیاق نداشته باشد نمی‌تواند به اوج و راس برسد. شکست می‌خورید، از شما سواستاده می‌شود، کسانی که به آن‌ها اعتماد کرده‌اید نومیدتان می‌کنند، منابع تازه از دست می‌دهید و بعد دلایل موجه پیدا می‌کنید که بگویید باید تسلیم شوید. اگر اشتیاقی در کار نباشد این اتفاق می‌افتد. به همین دلیل است که می‌گیریم اشتیاق، شرط لازم رسیدن به عملکرد در اوج است.

اوج عملکرد، متکی به اشتیاق، عزم و اراده و تمایل به انجام دادن کار ضعیف است البته تا زمانی که بتوانید آن کار را عالی انجام بدهید. اوج عملکرد راستین، تحت تأثیر زندگی خانوادگی و شرایط فیزیکی، معنوی و تجاری قرار دارد. من درباره هر یک از این‌ها به تفصیل صحبت می‌کنم.

بخش سوم معادله - هدف و مقصود - چیزی است که به اعتقاد من کلید پویایی انگیزه و زندگی بهتر از خوب است. سال‌هاست که به این نتیجه رسیده‌ام برای خیلی‌ها دشوار است که درباره کاری که می‌کنند اشتیاق داشته باشند؛ زیرا کاری را انجام می‌دهند که دوست ندارند. این

حقیقتی است که وجود دارد و نمی‌توان به راحتی آن را رد کرد. شمار کثیری از مردم ترجیح می‌دهند کاری متفاوت از آن چه را انجام می‌دهند، انجام دهند. وقتی این سوال را مطرح می‌کنید که «اگر مشکل و مانعی در کار نباشد دوست دارید چه کار کنید؟» بسیاری (اغلب مردم) نمی‌گویند «من عاشق کارم هستم. من برای انجام دادن این کار متولد شده‌ام».

اول می‌کنم این کاری است که به آسانی حل نمی‌شود. به خاطر انحرافات خانوادگی و مالی مشکل است که تغییر شغل بدهید و کار مورد علاقه‌تان را انجام دهید... اما غیرممکن نیست. من معتقدم اگر به‌راستی مشتاق انجام دادن کاری باشید و اگر به هدف و مقصودی که خدا تعیین کرده، اعتقاد داشته باشید، می‌توانید این کار را انجام دهید. اینجاست که به بحث هدف و مقصود می‌رسیم. هدف و مقصود چیست و چگونه آن را پیدا می‌کنید. وقتی بدانید چه هدف و مقصودی دارید، چه تفاوتی در زندگی‌تان ایجاد می‌شود.

بنابراین وقتی به بخش سوم کتب می‌رسد - هدف و مقصود زندگی بهتر از خوب - درباره موضوعی بحث می‌کنیم که بسیاری از سخنرانان انگیزه‌بخش درباره‌اش حرف نمی‌زنند. من اسر خود را هم در این گروه جای می‌دهم. البته در شروع کار این‌گونه بودم و سال دیگر نیستم. می‌دانم که تأیید هدف و مقصود در زندگی برای من چه تأثیری داشته است. در نتیجه هرگز بیش از امروز انگیزه نداشته‌ام. دلم می‌خواهد شما هم انگیزه داشته باشید. می‌خواهم از شور و اشتیاق برخوردار باشید، می‌خواهم به اوج عملکرد در کاری برسید که معتقدید هدف و مقصود شما در زندگی است.

من در زندگی به اشخاصی برخورد کرده‌ام که در زمینه‌ای از اشتیاق برخوردار بوده‌اند. اما از آن جایی که در اشتیاق آن‌ها هدف و مقصودی وجود نداشته است، اشتیاق‌شان را از دست داده‌اند. آن‌ها سعی کرده‌اند که

اشتیاق‌شان را تحت تاثیر انرژی خوب به دست آورند و این چیزی است که نمی‌توان آن را حفظ کرد. دانشمندان هنوز ماشینی اختراع نکرده‌اند که برای همیشه بدون سوخت کار کند. انسان هم از این قاعده مستثنی نیست. اگر در سال ۱۹۷۱ از من می‌پرسیدند در زندگی چه هدفی را دنبال می‌کنم، شاید بر آن می‌شدم که توضیحی مفصل بدهم. اما اگر به زندگی من نگاه می‌کردید، آنقدرها هدف و مقصودی در آن مشاهده نمی‌شد و یا دست کم زندگی من از هدف و مقصودی که در این کتاب از آن حرف می‌زنم، بهره‌مند نداشت. واقعیت این بود: با کاری که می‌کردم به جایی نمی‌رسیدم. شرایط مالی آشفته‌ای داشتم. یک ورشکسته‌ی به تمام‌معنا بودم.

اما در سال ۱۹۷۲، تغییر به سراغ من آمد. آن زمان دانستم اشتیاق راستین داشتن یعنی چه؛ اشتیاقی که منجر به بروز اوج عملکرد می‌شود و هدف و مقصود شما را در زندگی مشخص می‌سازد.

چه اتفاقی افتاد؟ من تجربه‌ای داشتم که اشتیاق را در من شعله‌ور ساخت و باور کردم تنها برای یک کار به دنیا آمده‌ام. شاید اگر با من صحبت می‌کردید، می‌پرسیدید «به من بگو: یک چیز چه اتفاقی افتاد.» می‌توانید در بخش آخر کتاب در این باره مطالعه کنید. این جا کافیست بگوییم «بهتر از خوب» برترین تلاش من برای بیان این مطالب است که در چند سال گذشته درباره زندگی بهتر از خوب چه درسی آموخته‌ام.

سعی کرده‌ام تا حد امکان این کتاب کاربردی باشد. شما را با ایده‌ها و نظراتی آشنا می‌کنم که به من کمک فراوانی کرده‌اند و طی سال‌های متمادی به هزاران نفر راه چاره را نشان داده‌اند. به هنگام خواندن این کتاب کارت‌های ۱۲×۷ به شکل کارت اندیکس تهیه کنید و آن را در کنار خود داشته باشید. وقتی مطلبی را می‌خوانید که با شما حرف می‌زند؛

درباره یک ایده، یک نظر، یک فکر، یک برنامه، یک ارزش، یک دلیل، یک اصلاح؛ آن را یادداشت کنید. به هر جا می‌روید این کارتها را با خود ببرید. وقتی فرصت مناسبی دست داد، مثلاً وقتی در ترافیک گیر کرده‌اید یا در انتظار برقرار شدن ارتباط تلفنی هستید، یا در اتاق انتظار مطب منتظر نوبت خود هستید و نیز وقتی شب می‌خواهید بخوابید یادداشت‌های خود را مرور کنید. این کار را درس روز آینده خود قرار دهید. تغییر کردن به زمان احتیاج دارد، به تکرار دایم احتیاج دارد. تغذیه کردن ذهن خود با ایده‌های جدید دست کم برای مدت یک ماه، شبیه نواختن پیانو است. شما ذهن خود را آموزش می‌دهید. این کار را به‌طور طبیعی انجام می‌دهید. اما تا آن زمان با کارتهایی که در دست دارید، با انگیزه باقی بمانید.

من یقین دارم که کتاب «بهتر از خوب» می‌تواند زندگی شما را اندک‌اندک بهتر کند. نتیجتاً نه‌ای که، تصویری زیبا، هدفمند و موفق خواهد بود.

امیدوارم به مقصود و منظور خداوند برای شما در زندگی برسید؛ هدف و مقصودی که اشتیاق و اوج عملکرد را در شما ایجاد می‌کند. درمورد این که آیا این هدف و مقصود را برای اولین بار از طریق این کتاب می‌آموزید یا این احساس را خود تازه و نونوار می‌کنید، معتقدم این کتاب به شما کمک می‌کند تا زندگی مورد نظرتان را به دست آورید؛ یک زندگی که «بهتر از خوب» بهتر است.